

بایسته های اصول فقه (جلد ۱)

شرح اصول فقه مظفر با تطبیق آراء شهید صدر

مؤلف:

محمد علی معیر محمدی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

سرشناسه	معیر محمدی، محمدعلی ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور	بایسته‌های اصول فقه/ محمدعلی معیر محمدی
مشخصات نشر	تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۱۳۶ ص
شابک	۰-۳۵۳-۳۴۶-۶۰۰-۹۷۸-۱: ج
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	ج ۱: شرح اصول فقه مظفر با تطبیق آراء شهید صدر
موضوع	مظفر، محمد رضا، ۱۹۰۴-۱۹۶۴، اصول الفقه - نقد و تفسیر
موضوع	صدر، محمدباقر، ۱۹۳۱-۱۹۷۹، دروس فی علم الاصول - نقد و تفسیر
موضوع	Islamic law-Interpretation and construction
رده‌بندی کنگره	۲۱۶ ب۷م/۱۵۵ BP
رده‌بندی دیوبی	۹۷/۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۵

بایسته‌های اصول فقه (جلد ۱)



انتشارات کتاب آوا

مؤلف:	محمدعلی معیر محمدی
ناشر:	کتاب آوا
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۶
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۹۵۰۰۰ ریال
شابک:	۰-۳۵۳-۳۴۶-۶۰۰-۹۷۸-۱

نشانی دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴، واحد ۴
شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۶۴۵ | ۶۶۹۷۴۱۳۰ | ۶۶۴۰۷۹۹۳ | دورنگار: ۵۸۱۰۶۱۶۱

www.avabook.com avabook_kazemi@yahoo.com

فروشگاه کتاب آوا: اسلام‌شهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد اسلامی، جنب دادگستری
تلفن: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاغذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی‌دی، افست، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال انری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

فهرست مطالب



۱۳	مقدمه نگارنده
	بخش اول: کلیات
۱۹	فصل اول، تاریخچه اصول فقه
۱۹	دوره اول، دوره تأسیس
۱۹	دوره دوم، دوره تصنیف
۲۰	دوره سوم، دوره اختلاط
۲۰	دوره چهارم، دوره کمال و استقلال
۲۱	دوره پنجم، دوره رکود استنباط
۲۱	دوره ششم، دوره نهضت مجدد
۲۳	فصل دوم: تعریف علم اصول فقه
۲۵	فصل سوم: موضوع، مسائل و فائده علم اصول فقه
۲۵	موضوع علم اصول فقه
۲۶	مسائل علم اصول فقه
۲۷	فائده علم اصول
۲۹	فصل چهارم: اقسام حکم شرعی
۲۹	اقسام حکم شرعی
۳۲	نحوه وصول به حکم شرعی
۳۳	فصل پنجم: دلالت و وضع الفاظ
۳۳	معنی دلالت
۳۳	اقسام دلالت
۳۴	وضع تعینی و تعیینی، تخصیصی و تخصصی

۲۵	تقسیم الفاظ به لحاظ معانی
۲۶	نکته ای در وضع حروف
۲۷	دلالت الفاظ بر موضوعات
۲۷	الفاظ قانونی و عرفی
۳۸	حقیقت و مجاز
۳۹	وضع مرکبات
۴۰	نشانه‌ی حقیقت و مجاز
۴۱	علائم حقیقت
۴۳	فصل ششم: اصول لفظیه
۴۳	تعریف اصول لفظیه
۴۳	(اصل اول) اصاله العموم
۴۴	(اصل دوم) اصاله الادیان
۴۵	(اصل سوم) اصاله عدم تناسل
۴۷	(اصل چهارم) اصاله حقیقه
۴۸	(اصل پنجم) اصاله الظهور
۴۹	حجیت اصول لفظیه
۵۱	فصل هفتم: ترادف و اشتراک
۵۱	مترادف / مشترک
۵۲	مشترک معنوی
۵۲	مشترک لفظی
۵۳	فصل هشتم: حقیقت و مجاز
۵۴	حقیقت شرعیه و منشرعه
۵۹	فصل نهم: صحیح و اعم
۶۳	بخش دوم: مباحث الفاظ
۶۵	فصل اول: مشتق
۶۷	اختلاف مشتق از جهت مبدا
۶۸	شروط مشتق در اصول
۶۸	نمره‌ی بحث
۶۹	انواع مشتقات
۶۹	نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه)
۷۱	فصل دوم: اوامر
۷۱	امر در لغت

۷۲	ماده‌ی امر
۷۲	معنای صیغه افعال از نظر اصولیین
۷۲	معنای ماده‌ای امر از نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه)
۷۴	ماده‌ی امر
۷۴	صیغه امر
۷۴	معنا و مفهوم صیغه‌ی امر از نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه)
۷۵	ظهور صیغه‌ی امر در وجوب
۷۶	ظهور بمله‌ی خبریه دلالت کننده‌ی طلب بر وجوب
۷۷	نکته عهد: امر بعد از حظر و توقم (امر تعقیب حظر)
۷۸	واجب عبیدی و توصیلی
۷۹	نکته: هائی که در صورت
۸۰	اطلاق صیغه امر: دلالت بر تقدیری دارد یا توصیلی؟
۸۱	نکته: اطلاق مقامی
۸۲	اطلاق و تقید در تقسیمات اولیه واجب
۸۳	عدم امکان اطلاق و تقید در تقسیمات ثانویه واجب
۸۳	واجب عینی و اطلاق صیغه‌ی امر
۸۴	واجب تعینینی و اطلاق صیغه‌ی امر
۸۴	واجب نفسی و اطلاق صیغه‌ی امر
۸۵	دلالت امر بر فور و تراخی
۸۶	دلایل اصولیینی که فور را بذیرفته‌اند
۸۷	دلالت امر بر مره و تکرار
۸۸	دلالت نسخ وجوب بر جواز
۸۹	امر به شیء مرتین
۹۱	خلاصه بحث
۹۱	دلالت امر به امر (غیر مستقیم) بر وجوب
۹۳	فصل سوم: تقسیمات واجب
۹۳	تفاوت بین واجب و وجوب
۹۳	اقسام واجب
۹۳	۱) واجب مطلق و مشروط
۹۴	۲) واجب عینی و کفائی
۹۴	۳) واجب تعینینی و تخییری
۹۵	۴) واجب نفسی و غیره

۹۶	 (۵) واجب اصلی و تبعی :
۹۶	 (۶) واجب تبعی و توصیلی :
۹۷	 (۶) واجب منجز و معلق :
۹۷	 واجبات مطلق :
۹۸	 نکته: فرق واجب معلق و مشروط
۹۹	 خلاصه واجب موقت :
۱۰۱	 فصل چهارم: نواهی
۱۰۱	 ماده نهی :
۱۰۲	 (ب) و ماده نهی :
۱۰۳	 - ظهه و دلالت ضیفه نهی :
۱۰۳	 د: غلب نهی :
۱۰۳	 دلالت نهی بر مره و اراد :
۱۰۵	 فصل پنجم: مفاد
۱۰۵	 مقدمه :
۱۰۵	 الفاظ دارای مفهوم :
۱۰۷	 مفهوم شرط :
۱۱۰	 تداخل اسباب :
۱۱۱	 ۲- مفهوم وصف :
۱۱۱	 نظر مرحوم مظفر (رضوان الله علیه) راجع به مفهوم وصف :
۱۱۲	 ادله مفهوم داشتن وصف :
۱۱۳	 مفهوم غایت :
۱۱۴	 خلاصه بحث مفهوم غایت :
۱۱۴	 مفهوم حصر :
۱۱۵	 مفهوم عدد :
۱۱۶	 مفهوم لقب :
۱۱۶	 دلالت ها :
۱۱۹	 فصل ششم: عام و خاص
۱۱۹	 مقدمه :
۱۱۹	 اقسام عام :
۱۲۰	 الفاظ عموم :
۱۲۱	 مخصص متصل و مخصص منفصل :
۱۲۲	 آیا استعمال لفظ عام در عام مخصص حقیقت است یا مجاز ؟

۱۲۲.....	حجیت عام مخصص در مابقی:
۱۲۳.....	نسبه مفهومیه خود بر دو قسم است:
۱۲۴.....	نسبه مصداقیه:
۱۲۴.....	تسک به عام قبل از فحص از مخصص:
۱۲۵.....	عود ضمیر به تمام افراد عام است یا بعض آن ؟
۱۲۶.....	استثناء بعد از جملات متعدد:
۱۲۷.....	تخصیص عام با مفهوم:
۱۲۸.....	نکات مهم عام و خاص:
۱۳۰.....	«سوالات مهم تا انتهای فصل ششم از بخش دوم»
۱۳۵.....	فهرست منابع

مقدمه نگارنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ وَ سَبَباً لِمَزِيدٍ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِلاً عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ السُّفَرَاءِ الْمُتَرَمِّمِينَ رَبَّنَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَلَسَوْهُ مِنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ لَا سَيِّمًا نَامُوسَ الدَّهْرِ وَ إِمَامَ الْعَصْرِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ رُوحِي رَأَيْتُكَ الْعَالَمِينَ لِشَرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ وَ لَعْنَتُهُ اللَّهُ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَعْدَاءَ اللَّهِ اَجْمَعِينَ خدایند که در قرآن مجید می فرمایند: «أَمَّنْ هُوَ قَانِئٌ أَنَاَ اللَّئِيلُ سَاجِداً وَ قَانِماً يَخْذَرُ الْآخِرَةُ مَنَاجِئُ رَحْمَةِ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱ به همین خاطر است که دانستن معیار عدم تساوی با کسی است که نمی داند. در راستای کسب علم که به صورت مطلق منظور آیات و روایات از آن علوم الهی با تکیه بر معیارین اهل البیت (علیهم السلام) است، اولین گام استنباط صحیح و دقیق از متون دینی است و این امر تنها به تبع یادگیری دقیق علم اصول فقه امکان پذیر است. مع الوصف بر این اساس است که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «علینا الفاء الاصول و علیکم ان تفرعوا»^۲ یعنی، بر ماست که اصول کلی را بیان کنیم و بر شما لازم است که فروع را به آنها برگردانید [و احکامشان را بیابید] بر همین اساس برای بیان فروع احکام و فهم دقیق قرآن و روایات علم اصول فقه کمک شایانی می نماید.

^۱ - سوره مبارکه زمر، آیه شریفه ۹

^۲ - سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲

علم اصول، علمی با پیشینه‌ی بسیار طولانی است که در جهت اول برای فهم صحیح از متون دینی ابداء شده است. زمانی که مشرعین متوجه شدند در نبود رابط خاص خود با خداوند متعال نیاز به آن دارند تا از گفتارهایی که به جا مانده است تکالیف شرعی خود را به دست آورند نیاز به این علم نیز احساس شد. در واقع وقتی با مراجعه به متون دینی متوجه شدند که به تنهایی و بدون استعانت از وسائل عقلی و نقلی کلی نمی‌توانند از این متون استخراج حکم شرعی را نمایند، ناگزیر متوجه علم اصول فقه گشتند. برای فهم معنای لغوی و اصطلاحی اصول فقه باید مفاد ذات آن را که مشتمل بر دو واژه اصول و فقه می باشد جدا گانه مورد بحث قرار داد تا متصور ر این علم نمایان گردد.

اصول جمع مکسر است. اصل چند معنا دارد و از جمله‌ی معانی آن عبارتند از:

۱. اصل در برابر فرع (این معنی لغوی اصل است)

۲. اصل به معنی دلیل

۳. اصل به معنی راجع (ارجح و ماهر)

۴. اصل یعنی قاعده

۵. اصل به معنای اصل استصحاب که یکی از اصول فقهی است^۱

فقه در لغت یعنی فهم و از آن با عنوان فهم عمیق نیز تعبیر کرده اند. و در اصطلاح مشهور اصولیین آمده است: «هو علم بالاحکام الشرعیة الفرعیة»^۲ یعنی فقه عبارت است از فهمیدن احکام شرعی فرعی از روی دلایل تفصیلی. حال که به اصول را به صورت جداگانه تعرف نمودیم در تعریف اصول فقه می‌گوییم: «العلم بالترامع الممهدة لاستنباط الاحکام الشرعیة الفرعیة»^۳ یعنی، اصول فقه علم یافتن به قواعدی است که برای استنباط احکام شرعی از دلایل تفصیلی فراهم شده.^۴ مرحوم شهید صدر (رضوان الله علیه) در تعریف علم

^۱ - در بین اصولیون در مورد این که منظور از اصل در عبارت اصول فقه کدام یک از معانی فوق است اختلاف است.

^۲ - معالم الدین فی الاصول، ص ۲۲.

^۳ - القوانين المحکمة، ج ۱، ص ۵؛ منتهی الاصول، ج ۱، ص ۱۴

^۴ - البته اصولیین متأخر و معاصر اشکالاتی به این تعریف وارد کرده اند که باید برای مطالعه آنها به کتب سطوح بالاتر درسی مثل کفایه الاصول مراجعه نمود.

اصول می فرمایند: «هُوَ الْعِلْمُ بِالْعُنَاصِرِ الْمُشْتَرَكَةِ فِي الْأَسْبَدِلَالِ الْفِقْهِيَّةِ خَاصَّةً، تِلْكَ الَّتِي يَسْتَعْمِلُهَا الْفَقِيه كَذَلِيلٍ عَلَى الْجَعْلِ الشَّرْعِيِّ الْكُلِّي»^۱ لذا بر اساس نظر شهید صدر (رضوان الله علیه)، برای استنباط فقهی دو دسته عناصر را به کار می گیریم، یک دسته عناصر اختصاصی است که مختص به آن مسئله فقهی و آن باب فقهی است، و یک دسته عناصری است که اختصاص به مسئله یا باب فقهی خاصی ندارند و ایشان اسم این دسته را عناصر مشترک می گذارد. ایشان بیان می کند که علم اصول، علمی است که از عناصر مشترک در فرایند استنباط بحث می کند.

در واقع علم اصول به منزله ریشه و اساس برای علم فقه است. بزرگان متقدم و متاخر از اصولیین همچون شهید صدر، محمد باقر صدر (رضوان الله علیه) در المعالم الجدیدة در این باره فرموده اند: اصول و دعه ما من مَنَافِعَ و فلسفه علومی هستند که اولی مقدمه برای دومی می باشد. در واقع اصول علمی آلی است. علم اصول در حقیقت «علم دستور استنباط» است. این علم روش صحیح استنباط از منابع فقه را در فقه به ما می آموزد. از این رو علم اصول مانند علم منطقی یک علم «دستوری» است و به «س» نزدیک است تا «علم» یعنی در این علم درباره یک سلسله «باید» ها سخن می رود نه درباره یک سلسله «است» ها. می توان گفت: علم اصول نه تنها روش صحیح اجتهاد را نشان می دهد، بلکه می تواند در تمام شئون علمی و حتی زندگی بشر نیز روش صحیح را نشان دهد. برخی همچون نگارنده این سطور معتقدند این علم راه صحیح زندگی کردن را به انسان می آموزد.^۲ بنابراین یادگرفتن علم اصول انسان را مصداق «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» می نماید. عبادت دیگر، غرض از علم اصول خاص لیکن منفعتش عام است پس در همه قوانین می توان به رسم قواعد آن را بکار برد و در استخراج حکم از آن استفاده کرد و این مطلب همان چیزی است که به آن منفعت علم اطلاق می گردد.

در مورد تالیف و جمع آوری این کتاب باید متذکر شوم که این کمترین در اقبانوس فقه است قطره ای بیش نیستم لیکن تنها چیزی که بر می آید تقریر و جمع آوری کلام بزرگان و تبدیل

^۱ - بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۳۱ و دروس فی علم الاصول، ج ۳، ص ۱۱

^۲ - در این باره ان شاء الله در مجال مناسبی متذکر خواهیم گشت.

آن به زبان ساده جهت فهم بهتر و دقیق تر طلاب و دانشجویان می باشد. این کتاب که با دیدی نو جهت تحول در علوم انسانی و احیاء این علوم در دانشگاه ها و مجامع آکادمیک نوشته شده است از نظر متنی متکی به اصول فقه مرحوم علامه مظفر (رضوان الله علیه) می باشد، همچنین در یک فرآیند جدید ذیل مطالب ارزشمند این اصولی بزرگ دیدگاه های نابغه عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر (رضوان الله علیه) از کتاب حلققات آورده شده است تا طلبه و دانشجو در مقام تطبیق و مطالعه دقیق برآید، همچنین در برخی از مواضع به درخور از آراء و نظرات میراث دار بزرگ مکتب اصولی شهید صدر (رضوان الله علیه) مرجع عالیقدر، بن - سرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظلّه) بهره جسته ایم. لذا این کتاب جهت استفاده، طلاب که به تازگی با علم اصول آشنا شده اند و همچنین دانشجویان رشته های فقه و حقوق است. این کتاب در حقوق در مقطع کارشناسی و برای ورود به مقاطع بالاتر در کنار منابع اصلی دروس اصولی بسیار می تواند به عنوان یک منبع بهتری توصیه می گردد. همچنین سعی شده است تا ابواب و فصول کتاب بر طبق درس اصول فقه در حوزات و دانشگاه ها در مقطع کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی تنظیم گردد و به همین منظور طبق برنامه درسی دوره کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه ها در پنج مجلد به صورت مجزا برای درس اصول فقه ۱ الی ۵ تنظیم گردیده است، تا مفید به فایده افتد ان شاء الله تعالی.

امید آن دارم تا فضلاء حوزوی و دانشگاهی بعد از مطالعه کتاب، نواقص و کاستی های آن را به اطلاع رسانده، تا در چاپ های بعدی مرتفع گردد. در آخر بر خود فرض می دانم از تمامی عزیزانی که مرا در تنظیم و تألیف این کتاب یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را نمایم. امیدوارم این کتاب توشه ای برای قبر و قیامت این حقیر قراز گیرد و هر چند کوچک، سهمی در پیشبرد اهداف عالیه طریقه حقه تشیع باشد.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۴۳۷ مصادف با ۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۵

الاحقر محمدعلی معیر محمدی